

## بررسی نارساییها و کاستیهای تصحیح رساله تبصرة المبتدی و تذكرة المنتهى و لزوم تصحیح مجدد آن

حمزه کفاش\*

### چکیده

صدرالدین قونوی، از شارحان مشهور مکتب ابن عربی، بیشتر آثارش را به عربی نوشته است، ولی رسائلی هم به فارسی به وی منسوب است. مع ذلك، صحت انتساب آنها به قونوی نیاز به بررسی دقیق تری دارد. با این حال، رساله تبصرة المبتدی و تذكرة المنتهى که به طرح مسائل مهم عرفانی مانند ولایت، نبوت، ذات و صفات خداوند و امثال اینها پرداخته، از جمله آثار فارسی منسوب به اوست که تشکیک‌هایی در این خصوص میان برخی محققان مطرح شده است. از این رساله دو چاپ نشر شده، که یکی از آنها با عنوان آفاق معرفت، به کوشش نجفقلی حبیبی به چاپ رسیده است. این مقاله با بررسی چاپ حبیبی و نسخه‌های مورد استفاده وی، نارسایی‌ها و کاستی‌های آن را باز می‌نماید.

کلیدواژه‌ها: صدرالدین قونوی، تبصرة المبتدی و تذكرة المنتهى، نجفقلی حبیبی، آفاق معرفت، تصحیح انتقادی.

## ۱. مقدمه

ابوالمعالی صدرالدین محمدبن اسحاق بن یوسف بن علی قونوی (۶۰۷-۶۷۳ ق)، مشهور به صدرالدین قونوی، یکی از نام‌آوران عرصه عرفان و تصوف در سده هفتم هجری است.<sup>۱</sup> او در زمره نخستین و بهترین شارحان عرفان ابن عربی است. صدرالدین، پس از ازدواج ابن عربی با مادرش، از اوان نوجوانی در دامان شیخ اکبر پرورش یافت.<sup>۲</sup> افزون بر این، او با خواجه نصیر طوسی هم مکاتباتی داشته<sup>۳</sup> و با مولانا جلال‌الدین نیز هم صحبت بوده است.<sup>۴</sup> صدرالدین توانست با تربیت شاگردانی چون مولانا شمس‌الدین ایکی، فخرالدین عراقی، مؤیدالدین جندی، سعیدالدین فرغانی و قطب‌الدین علامه شیرازی آراء و افکار ابن عربی را گسترش دهد؛ در حقیقت قونوی نقشی اساسی و محوری در معبر انتقال تعالیم و آراء ابن عربی به عارفان شیعی ایفا می‌نماید (عداس ۱۳۸۷: ۳۸۹).

صدرالدین قونوی با اوحدالدین کرمانی نیز مصاحبت داشته و مدت ۱۵ سال تحت تعالیم و ارشادات روحانی او قرار داشته است. در وصیت‌نامه<sup>۵</sup> صدرالدین قونوی آمده است: «در گورم سجاده شیخ اوحدالدین کرمانی رحمه‌الله علیه را پهن کنید» (نک: قونوی، فکوک: سی‌ودو). به تعبیر خود قونوی، او از پستان دو مادر شیر خورده است (نک: کرمانی، مناقب اوحدالدین کرمانی: ۸۷). «در حقیقت وی وارث دو

۱. صدرالدین در کودکی پدر خود را از دست داد و پس از ازدواج مادرش با محی‌الدین ابن عربی تحت تربیت ناپدری خود و دیگر اکابر در آمد و علوم مختلف را آموخت و زمانی دراز نکشید که با کمال زهد و تقوی، جامع علوم ظاهری و باطنی و عقلی و نقلی شد (مدرس، بی‌تا: ۴۳۱/۳). همچنین رک: آقسرائی، مسامرة الاخبار و مسامرة الاخيار: ۱۱۹.

۲. در خصوص ازدواج ابن عربی با مادر صدرالدین قونوی، رک: جامی، نفعات الانس: ۵۵۵ و عداس، ۱۳۸۷: ۳۸۵.

۳. در این باره نک: جامی، نفعات الانس: ۵۵۴، عداس، ۱۳۸۷: ۳۹۰ و شیرازی، طرائق الحقایق: ۳۱۲-۳۱۳؛ همچنین نک: شفیعی کدکنی ۱۳۹۰: ۱۱).

۴. مقام صدرالدین قونوی در نزد مولوی چنان بوده که صاحب مناقب العارفین نقل می‌کند که «حضرت چلیپی حسام‌الدین از خداوندگار ما پرسیده بود که نماز شما را که بگذارد؟ فرمود که خدمت شیخ الصدرالدین اولی است، چه تمامت اکابر علما و قضات را طعمی بود که نماز کنند، میسرشان نشد و آن عنایت خاصه آن یگانه گشت» (الافلاکی، مناقب، ج ۲، ۵۹۳).

۵. متن کامل وصیت‌نامه شیخ در مقدمه فکوک و اعجاز البیان آمده است (نک: قونوی، فکوک: ۳۱ و همو، اعجاز البیان: ۲۲).

میراث عظیم روحانی بود — عرفان عربی از جانب ابن عربی، عرفان ایرانی از اوحدالدین کرمانی — قطب و خطّ واصل میان این دو جنبه زهد و تصوف اسلامی گشت» (عداس، ۱۳۸۷: ۳۸۹).

بروکلمان<sup>۶</sup> در تاریخ ادبیات عرب ۳۲ و استفان روسپولی<sup>۷</sup> ۳۹ کتاب و رساله به صدرالدین نسبت داده‌اند (نک: جامی، تقدالنصوص: سی ویک). شماری از کتب و رساله‌های مشهور صدرالدین عبارت‌اند از: ۱- مفتاح غیب الجمع و الموجود معروف به مفتاح الغیب ۲- النصوص فی تحقیق الطور المخصوص ۳- توجّه الاعمى نحو الحق جل و علا ۴- نفحات الاهیة ۵- اعجاز البیان فی تأویل امّ القرآن ۶- مرآة العارفین ۷- المفاوضات (که شامل مکاتبات قونوی با خواجه نصیر است). از صدرالدین قونوی، در کنار آثار متعدّد به زبان عربی، چند رساله و کتاب به زبان فارسی نیز باقی مانده است که نسبت این آثار به قونوی محل تردید است. این آثار عبارت‌اند از: وصایا<sup>۸</sup>، رساله در باب عرش، رساله در مراتب کشف، رساله در بیان مبدأ و معاد.

اما دو اثر تبصرة المبتدی و تذکرة المنتهی و مطالع الایمان<sup>۹</sup> از آثار فارسی منسوب به قونوی است. میکائیل بایرام در کتابی به طور مستقل به بررسی عدم انتساب دو اثر تبصرة المبتدی و تذکرة المنتهی و مطالع الایمان پرداخته است و معتقد است این دو اثر از نصیرالدین خویی مشهور به اخی اورن است که صاحب کتابی است به نام منهاج السیفیه. نجیب مایل هروی منهاج السیفیه را از ابوالحقائق محمد بن احمد الجوینی می‌داند (نک: جوینی، منهاج السیفیه: ۱۵ - ۱۹).

چیتیک در مقدمه خود بر تقد النصوص جامی، ضمن معرفی رساله مطالع الایمان

6 Brockelman

7 Stephane Rospoli

۸. در این که وصایا یک اثر فارسی بوده جای تردید است، چراکه در فهرست آثار قونوی اثری عربی با عنوان وصیة الشیخ صدرالدین عندالوفاء موجود است که وصیت‌نامه شیخ است. شاید این متن از عربی ترجمه شده باشد.

۹. مطالع الایمان را جزء کتاب‌های منسوب به صدرالدین قونوی گفته‌اند. خواجهی حدس زده که این رساله ممکن است همان رساله شعب الایمان باشد. نگارنده نسخه‌های این کتاب را فراهم آورده است. در نسخه حالت افندی شماره ۵۵۷/۳ این رساله قبل از رساله تبصرة المبتدی و تذکرة المنتهی آمده و در ۱۵ رجب ۶۶۰ کتابت شده است. نگارنده این رساله را نیز در دست تصحیح دارد.

انتساب این رسائل را به قونوی قطعی دانسته است (چیتیک ۱۳۵۷: ۵۷-۸۰). نجیب مایل هروی نیز هم در مقاله‌ای به این مسئله پرداخته است (مایل هروی ۱۳۶۴: ۲۰-۲۲). ویلیام چیتیک در مقدمه‌ای که بر کتاب *تقد/النصوص* جامی نوشته در ضمن معرفی آثار قونوی در خصوص *تبصرة المبتدی* به نقل قول‌هایی که جامی از *تبصرة المبتدی* در کتاب خود آورده اشاره می‌کند و معتقد است که این رساله به قطع از آن قونوی است (جامی، *تقد/النصوص*، سی‌وسه).

صاحب *مناقب العارفين* در حکایتی فردی به نام ناصرالدین را صاحب *تبصره* می‌داند: چنانکه در زمان مولانا شیخی بود صاحب قبول و ذوفنون و او را مشهور شیخ ناصرالدین گفتندی صاحب *تبصره* و با شیخ صدرالدین در جمع علوم یکایک زدی و مریدان معتبر داشت (افلاکی: ۱/۱۸۸) این ناصرالدین احتمالاً همان کسی است که صاحب *كشف الظنون تبصره* را به نام ناصرالدین محدث در *ظهر بعضی* از نسخ دیده است (حاجی خلیفه: ۱/۲۳۸). این ناصرالدین هیچ ربطی به نصیرالدین خوئی یا اخی اورن ندارد و به احتمال میکائیل بایرام این دو را با یکدیگر خلط کرده است. بررسی صحت انتساب این دو اثر نیاز به تحقیقات بیشتری دارد که از حوصله این مقاله خارج است.

## ۲-۲. معرفی چاپ‌های کتاب

از این کتاب دو چاپ موجود است: یکی چاپ نهضت زنان مسلمان که در سال ۱۳۶۰ با عنوان *دو رساله در سیر و سلوک* منتشر شده است و مصحح آن مشخص نیست، و دیگری چاپ انتشارات کتابسرای اشراق در سال ۱۳۸۱ به تصحیح نجفقلی حبیبی که با عنوان *آفاق معرفت* منتشر شده است. حبیبی این کتاب را اولین بار در شماره چهار *مجله معارف* (فروردین و تیر ۱۳۶۴) معرفی و چاپ کرد و سپس، به تشویق نصرالله پورجوادی مجدداً آن را تصحیح و منتشر کرد. ما در این بخش بر آنیم که با مقایسه نسخ مورد استفاده حبیبی در تصحیح این رساله مواردی را که مصحح در آنها به خطا رفته است مشخص سازیم و ضرورت تصحیح مجدد این اثر ارزشمند را یادآور شویم. همچنین نشان داده‌ایم که نداشتن نسخه اساس و نیز مشخص نبودن شیوه تصحیح و... این چاپ را غیر قابل اعتماد ساخته است.

### ۲-۳. معرفی نسخ مورد استفاده حبیبی

۲-۳-۱. نسخه حالت‌افندی به شماره ۵۵۷/۳ که در رجب ۶۶۰ ق توسط کاتبی به نام علی بن سلیمان بن یونس القونوی در شهر لادیق کتابت شده است و عکس آن به شماره ۱۱۳۴ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است. اهمیت این نسخه از دو جهت است: یکی آنکه در زمان حیات صدرالدین قونوی نوشته شده است و دیگر آنکه آن را شخصی به نام کشفی یا کاشفی بن صوفی الیاس در سلخ ربیع‌الاول در شهر آدرنه تصحیح کرده است. این نسخه به خط نسخ است. اصل نسخه رکابه نداشته، اما در تصحیح مورخ ۸۶۰ ق رکابه به آن اضافه شده است. نسخه حالت‌افندی، با وجود قدمتی که دارد، در مقایسه با دیگر نسخ، در مواردی، ضبط‌هایش ترجیحی ندارد، اما این از اهمیت نسخه نمی‌کاهد.

این که حبیبی در معرفی این نسخه می‌نویسد: «نسخه لیدن، از حالت‌افندی و...» (قونوی، تبصره، ۱۰) ابهام‌آمیز است، چراکه او دو مکان نگهداری برای این نسخه ذکر کرده است: یکی لیدن هلند و دیگری ترکیه، حال آنکه اصل نسخه در ترکیه نگهداری می‌شود. سرچشمه این اشتباه، شاید، واژه «لادیق» در ترقیمه نسخه و خلط آن با لیدن باشد.

۲-۳-۲. نسخه ایاصوفیا، فیلم شماره ۱۳۱/۱۱ و عکس ۶۷۰۶ کتابخانه دانشگاه تهران. تاریخ کتابت این نسخه ۷۳۰ ق، در ۳۳ برگ ۲۰ سطری و به خط نسخ نوشته شده است. نسخه رکابه ندارد. در ترقیمه آن دعایی از سعدالدین حموی آمده است: «منقول از خطی که مقبول بود از خط شیخ ... [ناخوانا] ابراهیم بن الشیخ سعدالدین محمد بن المؤید الحموی» (نسخه ایاصوفیا، برگ ۱۷۲).

۲-۳-۳. نسخه پاریس، فیلم شماره ۷۶۰/۴ و عکس شماره ۱۴۷۴ دانشگاه تهران. دکتر حبیبی این نسخه را بدون تاریخ معرفی کرده است، در حالی که می‌دانیم در یکشنبه اواخر رمضان ۷۵۳ ق، در ۷۶ برگ ۱۵ سطری، کتابت شده است. نسخه پاریس در دو قسمت افتادگی دارد: یکی در لامع سوم مصباح اول و دیگری در لامع اول مصباح دوم. این نسخه از پایین صفحه برگ ۳۶a از جمله «و هم‌چنین سر لعد من الله...» تا قبل از «کما نطقت به الشریعة الحقّة» برگ ۳۶b افتادگی دارد. به

عبارت دیگر نسخه پاریس در صفحه ۶۰ تا ۶۴ آفاق معرفت افتادگی دارد. همچنین این نسخه، در برگ ۳۸a، از بیت «خاطر خیاط عقل گر...» تا بیت عربی «وجدوا ما طلبوا...» در برگ ۳۸a افتادگی دارد.

حبیبی در پاورقی اول ص ۷۷ نوشته است: «از این جا تا ص ۶۸ عبارت التسیب و التهلیل از نسخه پ افتاده است». وی در اینجا به خطا رفته است، چرا که این بخش در نسخه موجود است. وی نوشته است از اینجا (یعنی جمله «و احکام این طور بیشتر و رای حدود علم و عقل است») تا ص ۶۸ افتاده است، در صورتی که تا قبل از جمله فوق افتادگی دارد نه بعد از آن. مصحح باید می نوشت از ص ۷۰ آفاق معرفت (از جمله «احکام مدرکات آن طور...») تا اینجا (یعنی ص ۷۶ آفاق معرفت تا بیت عربی «وجدوا ما طلبوا...») افتادگی دارد. حبیبی این اشتباه را در پاورقی دوم ص ۸۴ نیز تکرار کرده است. قسمتی که به ادعای او افتاده است در نسخه پاریس موجود است.

۲-۳-۴. نسخه کتابخانه مجلس شورای اسلامی که در ماه شوال ۱۲۷۶ ق توسط الحمید متخلص به صفا کتابت شده است. این نسخه دارای ۴۶ برگ ۱۳ سطری است که به خط نستعلیق نوشته شده است. این نسخه نسبت به نسخه حالت افندی و پاریس اضافاتی در اشعار و آیات و احادیث دارد و بیشتر مطابق با نسخه ایاصوفیاست.<sup>۱۰</sup>

- 
۱۰. ما در تصحیح این رساله از نسخ دیگری که از اعتبار بیشتری نسبت به نسخه مجلس برخوردار هستند استفاده کرده ایم. این نسخ عبارتند از:
- نسخه کتابخانه آیت الله گلپایگانی به شماره ۳۰/۹۸ کتابت جمادی الثانی ۱۱۱۵ که دارای ۲۵ برگ ۲۱ سطری است و کاتب آن مشخص نیست.
  - نسخه کتابخانه مرعشی نجفی به شماره ۹۱۰۴/۱ بی تاریخ که احتمالاً متعلق به سده ۱۱ است و دارای ۲۹ برگ ۲۱ سطری است.
  - نسخه دانشگاه تهران به شماره ۵۷ د حقوق، کتابت حدود سده ۹ یا ۱۰ است و دارای ۳۱ برگ ۲۰ سطری است. این نسخه نسبت به دو نسخه فوق و نسخه مجلس بسیار بهتر و دقیق تر است.
  - نسخه کتابخانه نورعثمانیه به شماره ۲۲۸۶ کتابت ۶۸۹ دارای ۱۰۰ برگ ۹ سطری و مشکول است. این نسخه بعد از حالت افندی مهم ترین نسخه به حساب می آید.
  - نسخه کتابخانه پیرمحمد گجرات هند به شماره ۱۴۵۸ بی تاریخ که احتمالاً متعلق به قرن ۹ باشد و دارای ۳۸ برگ ۱۵ سطری است.

## ۲-۴. اشکالات و نواقص تصحیح حبیبی

### ۲-۴-۱. نامشخص بودن شیوه تصحیح

مصحح در مقدمه کوتاهی که بر آفاق معرفت نوشته است هیچ اشاره‌ای به روش و شیوه تصحیح نکرده و فقط نوشته است: «فقط سه نسخه‌ای اول (یعنی حالت‌افندی، ایاصوفیا و پاریس) مبنای کار قرار گرفته است و نسخه‌ی چهارم (مجلس) به علت غلط‌ها و دستکاری‌های فراوان ناسخ، غیر قابل استناد تشخیص داده شد» (قونوی، تبصره، ۱۰). از این سخن چنین برمی‌آید که شیوه تصحیح وی التقاطی بوده است. «شیوه تصحیح التقاطی معمولاً وقتی به کار بسته می‌شود که نسخه‌ای مضبوط و معتبر از اثر مورد نظر به دست نیاید و نسخ موجود هیچ‌یک صحت و اصالت لازم برای مبنای کار قرار گرفتن را نداشته باشد» (جهان‌بخش، ۱۳۹۰: ۳۰). حبیبی هنگام تصحیح این کتاب سه نسخه معتبر در اختیار داشته است که مهم‌ترین آنها، از لحاظ تاریخ کتابت، نسخه حالت‌افندی، کتابت ۶۶۰، بوده است. حق این می‌بود که او یک نسخه را اساس قرار می‌داد و سپس به تصحیح متن می‌پرداخت. حبیبی در صفحه شش مقدمه آفاق معرفت به اصل قرار دادن یک نسخه معتبر در تصحیح اشاره کرده است، اما خود در عمل چنین نکرده است.

### ۲-۴-۲. تصحیح شبه‌انتقادی

یکی از مهم‌ترین کاستی‌ها در تصحیح دکتر حبیبی ذکر نکردن نسخه‌بدل‌ها به صورت کامل است. وی تنها به ذکر تعداد اندکی از اختلافات بسنده کرده است. در بعضی از موارد نسخه‌بدل‌ها اشتباه ضبط شده‌اند که این خود از اعتبار تصحیح می‌کاهد. به همین دلیل، باید کار حبیبی را تصحیحی شبه‌انتقادی نامید.

مصحح محترم در پاورقی اول صفحه شش آفاق معرفت «تذکر و درخواستی» را بیان می‌کند:

«اما این [= تصحیح] کاری است که از عهده هرکسی بر نمی‌آید، راه و رسمی دارد و فنی به حساب می‌آید که باید آموخت و در عمل آزمود... توصیه می‌کنم... نشر آثار قدما با دقت و وسواس بسیار... صورت گیرد. باید به نسخ متعدد و از جمله به

قدیمی‌ترین و اصیل‌ترین نسخه و یا اصل قرار دادن یک نسخه معتبر و ذکر اختلاف در پاورقی با توجه به زبان فنی اثر و زمان آن و سبک نویسنده فراهم گردد» (قونوی، تبصره: ۶). متأسفانه، مصحح خود هیچ‌کدام از این توصیه‌ها را به کار نبسته و، شاید، همان‌طور که خود در صفحه هفت مقدمه چاپ اول کتاب اشاره کرده «به سبب محدودیت وقت» و «به موجب المیسور لا یتراک بالمعسور» نسخه بدل‌ها را به صورت ناقص آورده است.

۲-۴-۳. استفاده مکرر از نسخه غیرقابل اعتماد

در مقدمه چاپ اول مصحح آمده است: «نسخه -کتابت شده به تاریخ ۱۲۷۶ ه. ق- در کتابخانه مجلس شورای اسلامی (میدان بهارستان) هست که ملاحظه شد. نسخه‌ای است با غلط‌های املائی فراوان و زواید بسیار در اشعار و آیات و احادیث. این نسخه مورد اعتماد واقع نشد و به ندرت به آن استناد شده است» (تأکید از نگارنده است)، حال آنکه ایشان در بیش از ۱۱۷ مورد به طور مستقیم از نسخه مجلس استفاده کرده‌اند که چند مورد برای نمونه ذکر می‌شود:

بعد از این نشأت، سدا را دو نشأت دیگر است: نشأت بهشت و کیفیت رؤیت و قرابت احوال و عجایب اسرار «فلا تعلم نفس ما اخفی لهم من قره أعین جزاء بما کانوا یعملون»	آفاق معرفت (صفحه ۱۱۱) مجلس (برگ ۲۹b)
بعد از این نشأه سداست و آن را دو نشأه دیگر است. نشأه بهشت است و کشف رؤیت و غرایب احوال و عجایب اسرار و شرح آن در مکابیل و موازین عقول و اوهام نگنجد. «فلا تعلم نفس ما اخفی لهم من قره أعین جزاء بما کانوا یعملون»	حالت‌افندی (برگ ۷۸)
بعد از این نشأه سدا را دو نشأت دیگرست. نشأت بهشت و کیفیت رؤیت و غرایب احوال و عجایب اسرار و شرح لذات آن در مکابیل و موازین عقول و افهام نگنجد. «فلا تعلم نفس ما اخفی لهم من قره أعین جزاء بما کانوا یعملون»	ایاصوفیا (برگ ۱۶۶)

همان‌طور که ملاحظه می‌شود ضبط حبیبی مطابق با ضبط نسخه مجلس است. با توجه به اینکه نسخه ایاصوفیا و حالت‌افندی جمله را به صورت کامل دارند،



مشخص نیست مصحح به چه دلیلی ضبط مجلس را انتخاب کرده است.

و اسماء دیگر که در حق آدمی ادراک آن ممکن است عارف خود به <u>نفس نفیس</u> ، احکام آن را به ذوق ادراک کند.	<b>آفاق معرفت</b> (صفحه ۴۷) مجلس (برگ ۱۴b)
و اسماء دیگر که در حق آدمی ادراک آن ممکن است عارف خود <u>نفس بنفس</u> احکام آنرا بذوق ادراک کند.	<b>حالت افندی</b> (برگ ۵۸)
و اسماء دیگر که در حق آدمی ادراک آن ممکنست عارف خود به <u>نفس بنفس</u> احکام آن را بذوق مستحضر می شود.	ایاصوفیا (برگ ۱۴۷)

«نفس بنفس» یک بار دیگر در متن تکرار شده است، به عنوان مثال در نسخه

حالت افندی، برگ ۶۳a

و هریک از مقام خود خبری داده‌اند و <u>طرح</u> آن نظرهای مختلف دراز است.	<b>آفاق معرفت</b> (صفحه ۶۵) مجلس (برگ ۲۱a)
و هریک از مقام خود خبری داده‌اند و <u>شرح</u> آن نظرهای مختلف درازست.	<b>حالت افندی</b> (برگ ۶۴)
و هریک از مقام خود خبری داده‌اند و <u>شرح</u> آن نظرهای مختلف درازست.	ایاصوفیا (برگ ۱۵۲)

<p>آنها که به بضاعت عقل مزخرف و فطنت بتراء و بصیرت حولا، این حقایق تصرف می‌کنند جز کفر و ضلالت و حیرت و خجالت، نقد و حاصل ایشان نمی‌بود (نقل از حاشیة نسخه مجلس).</p>	<p>آفاق معرفت (صفحة ۴۴) مجلس (برگ ۱۳b)</p>
<p>آنها که ببضاعت عقل مزخرف و فطنت بترا و بصیرت حولا در آن حقایق تصرف می‌کند جز کفر و ضلالت و حیرت و جهالت نقد و حاصل ایشان نمی‌بود</p>	<p>حالت‌افندی (برگ ۵۸)</p>
<p>آنها که ببضاعت عقل مزخرف و فطنت بترا و بصیرت حولا در آن حقایق تصرف می‌کند جز کفر و ضلالت و حیرت و جهالت نقد و حاصل ایشان نمی‌شود.</p>	<p>ایاصوفیا (برگ ۱۴۶)</p>

#### ۲-۴-۴. ذکر نادرست نسخه‌بدلها

یکی از بایسته‌ها در ارائه تصحیحی معتبر و «علمی» ذکر همه نسخه‌بدلها است. در چاپ حبیبی، نه تنها همه آنها ذکر نشده‌اند، بلکه برخی از آنچه ذکر شده نیز به نادرستی ضبط شده است. این خطاها را می‌توان به دو بخش تقسیم کرد:

#### ۲-۴-۴-۱. خطا در ضبط واژه

- مصحح درباره حدیث مشهور «أی ربّ لِمَاذَا خَلَقْتَ الْخَلْقَ؟ فَنُودِيَ مِنْ وَرَاءِ سُرَادِقَاتِ الْعِزَّةِ: كُنْتُ كَنَزًا مَخْفِيًا فَأَحْبَبْتُ أَنْ أُعْرَفَ فَخَلَقْتُ الْخَلْقَ لِأُعْرَفَ» نوشته است: «جميع نسخ: ما» (قونوی، تبصره: ۱۵، پاورقی ۵)، در صورتی که در جمیع نسخ «من» آمده است.

- جمله «... تا عارف ولایت را بر سیل تذکره و استرشاد...» (همان: ۱۴). مصحح در پاورقی شماره ۱ صفحه ۱۴ نوشته است: «ل [لیدن]: استشهد» در صورتی که در نسخه حالت‌افندی (که ایشان به اشتباه آن را لیدن معرفی کرده‌اند) «استرشاد» آمده است و تنها در نسخه ایاصوفیا «استشهد» نوشته شده است؛ البته در حاشیة نسخه این کلمه تصحیح شده و «استرشاد» آمده است.

۲-۴-۴-۲. خطا در انتساب واژه به یک نسخه

- جمله «همچنانکه در طور عقل مدرکات دو قسمت است...» (همان: ۷۶).  
مصحح در پاورقی شماره ۱ صفحه ۷۶ نوشته است: «پ [پاریس]: «دو قسمند»، در صورتی که نسخه پاریس در این قسمت افتادگی دارد. حبیبی در پاورقی شماره ۱ و ۲ صفحه ۷۵ هم این اشتباه را کرده است؛ مهم تر اینکه ارجاعهایی که در صفحه ۷۵ داده است در هیچ نسخه‌ای نیست.

- در نسخه حالت‌افندی برگ ۸۲a آمده است: «تا از اولوالالباب گردی» و مصحح گفته است: «ل [لیدن]: «نگردی» (همان: ۱۲۱، پاورقی ۳)، در صورتی که در نسخه ایاصوفیا و پاریس است که «نگردی» آمده است.

- حبیبی نوشته است: «ص [ایاصوفیا]: «وادید آید» (همان: ۱۱۶، پاورقی ۱)، در صورتی که در نسخه حالت‌افندی «وادید آید» آمده است، نه در نسخه ایاصوفیا.

۲-۴-۵. ضبط‌هایی که در هیچ‌یک از نسخ وجود ندارند

در چاپ حبیبی جملات و کلماتی آمده است که در هیچ‌کدام از نسخ مورد استفاده وی نیامده است و برای خواننده آشکار نیست که این عبارت یا کلمه چگونه و از کجا وارد متن شده است. مصحح هم در پاورقی هیچ اشاره‌ای به این مطلب نکرده است. در زیر به چند نمونه اشاره می‌شود:

- «باش تا جمال الرحمن الرحیم از افق عزت به در آید» (همان: ۶۱)، در صورتی که در تمام نسخ مورداستفاده، به جای «افق»، «تتق» آمده است.

- «آن عالمی است که در آن جا ظاهر، باطن شود و آن صفت در آن عالم به صورتی مناسب آن پیدا شود» (همان: ۱۰۶). در هیچ‌یک از نسخ موجود عبارت بالا بدین صورت نیامده است؛ برای مثال، در نسخه حالت‌افندی برگ ۷۶ آمده است: «آن عالمیست که آن جا ظاهر باطن شود و باطن ظاهر. هر صفت که در دار دنیا بر آدمی غالب بوده باشد او را در آن عالم به صورت مناسب آن پیدا شود».

- «... که علما را به ادراک آن راه نیست اما خواص دیگر هست» (همان: ۸۳).

در تمام نسخ «راه است» آمده که تفاوت معنایی فاحشی ایجاد می‌کند.

- «پیوسته از خود به خدا گریز» «ففرؤا الی الله» و از او بدو استغاثت می‌کن (همان: ۱۲۳). در نسخهٔ حالت‌افندی آمده است: «پیوسته از خود به خدا می‌گریز» «ففرؤا الی الله» و از او بدو استعانت می‌کن» (نسخهٔ حالت‌افندی، برگ ۸۳a) که با توجه به سیاق جمله «استعادت» که در نسخه ایاصوفیا آمده است درست‌تر می‌نماید. قابل ذکر است که در نسخهٔ پاریس، حالت افندی و مجلس «استعانت» آمده است.

#### ۲-۴-۶. بدخوانیها

دکتر حبیبی در تصحیح خود، در چند مورد، با وجود خوانا بودن نسخه‌ها، دچار بدخوانی شده‌اند که در اینجا مواردی را یادآور می‌شویم:

چشم سر من چون که در آن معنی دید      صورت دیدم ولیک جان معنی دید  
زان من نگرم به چشم سر در صورت      جز در صورت نمی‌توان معنی دید  
(قونوی، تبصره، ۳۷)

در جمیع نسخ «می‌نگرم» آمده است، اما مصحح محترم «من نگرم» را در متن آورده‌اند.

به نمونهٔ دیگری از بدخوانی‌ها توجه کنید:

و خانهٔ دل را که مهبط انوار عزّ قدس الوهیت است از قاذورات طبیعت و خار و خاشاک حدّثان به جاروب تجرید پاک کنی تا سلطان ازل و ابد در دل که خانهٔ اوست مرتدی به رداء کبریا منزل کند.	آفاق معرفت (صفحة ۱۱۶)
و خانهٔ دل را که مهبط انوار عزّ قدس الوهیت است از قاذورات طبیعت و خار و خاشاک حدّثان به جاروب تجرید پاک کنی تا سلطان ازل و ابد در دل که خانهٔ اوست مرتدی به رداء کبریا <u>تنزل</u> کند.	جمیع نسخ

نسخهٔ پاریس در این قسمت افتادگی دارد.

آفاق معرفت (صفحة ۱۱۸)	نه بی تجارتی بود که سلطنت ابد را به دو روز بندگی نفس اماره بفروختن.
جميع نسخ	نه بس تجارتی بود که سلطنت ابد را به دو روز بندگی نفس اماره بفروختن.

### ۲-۴-۷. افتادگیها

منظور از افتادگی جملات یا کلماتی است که در نسخ مورد استفاده حبیبی بوده است، اما در متن *آفاق معرفت* ساقط شده‌اند. در اینجا به سه نمونه اشاره می‌شود:

- در نسخه حالت افندی، پاریس و مجلس این‌گونه آمده است: «سَرَّوحدت و فنای ملک و ملکوت و سرّ کلّ شیء هالک الّا وجهه همه از این عالم است». در تصحیح حبیبی که با کمی تغییر منطبق بر نسخه ایاصوفیاست این جمله این‌طور ضبط شده است: «و کمال الوهیت و فناء ملک و سرّ کلّ شیء هالک الّا وجهه همه از این عالم است» (قونوی، تبصره، ۲۰). نکته قابل توجه این است که در تمام نسخ، بعد از «ملک»، «و ملکوت» آمده است، اما در تصحیح حبیبی تنها «ملک» آمده است.

- در چاپ حبیبی آمده است: «خلق عالمی است که اشاره حسی بدان راه یابد» (همان: ۵۱)، در صورتی که در جمیع نسخ این جمله این‌گونه است: «عالم خلق عالمی است که اشاره حسی بدان راه یابد» که در تصحیح ایشان «عالم» ساقط شده است.

- «و معلوم شود که انّ الذین کفروا سواء علیهم أأنذرتهم ام لم تنذرهم لا يؤمنون چه معنی دارد» (همان: ۶۰). در تمام نسخ «و اینجا معلوم شود که ...» آمده است که در متن مصحح «و اینجا» حذف شده است.

### ۳. نتیجه‌گیری

تبصرة المبتدی و تذکرة المنتهی یکی از مهم‌ترین آثار در عرفان اسلامی است.

این اثر در کنار رساله مطالع‌الایمان از آثار فارسی منسوب به صدرالدین قونوی است محسوب می‌شوند که البته صحت انتساب این آثار به وی نیاز به تحقیقات بیشتری دارد. در این مقاله تصحیح نجفقلی حبیبی از کتاب *تبصرة المبتدی و تذكرة المنتهى* به محک نقد گذاشته شده و با ارائه دلایل فراوان و ذکر نمونه‌های متعدد نشان داده شد که این تصحیح غیرانتقادی و نامعتبر است و تصحیح مجدد این کتاب به صورت انتقادی ضرورت دارد. کاستی‌ها و اشکالات تصحیح حبیبی عبارت‌اند از: نامشخص بودن شیوه تصحیح، تصحیح غیرانتقادی، ذکر نادرست نسخه‌بدل‌ها، استفاده مکرر از نسخه غیرقابل اعتماد، ضبط‌هایی که در هیچ یک از نسخ وجود ندارند، بدخوانی‌ها و افتادگی‌ها. در هر بخش از موارد فوق به برخی از این اختلافات با نسخه حالت‌افندی و دیگر نسخ اشاره و ضبط‌های صحیح یا دقیق‌تر پیشنهاد شد.

### منابع

- ابن عربی، محی‌الدین، *فصوص الحکم*، برگردان متن، توضیح و تحلیل محمد علی موحد و صمد موحد، تهران: نشر کارنامه، ۱۳۸۹.
- الافلاکی العارفی، شمس‌الدین احمد، *مناقب العارفين*، به کوشش تحسین یازیجی، تهران: دنیای کتاب، ۱۳۸۲.
- آقسرائی، محمودبن محمد، *مسامرة الاخبار و مسایرة الاخیای یا تاریخ سلاجقه*، با اهتمام و تصحیح دکتر عثمان توران، تهران: انتشارت اساطیر، ۱۳۶۲.
- جهانگیری، محسن، ۱۳۷۵، *محی‌الدین ابن عربی چهره برجسته عرفان اسلامی*، تهران: دانشگاه تهران.
- جامی، نورالدین عبدالرحمن، *نفحات الانس من حضرات القدس*، مقدمه، تصحیح و تعلیقات محمود عابدی، تهران: سخن، ۱۳۹۰.
- جامی، نورالدین عبدالرحمن، *تقدالنصوص*، تصحیح ویلیام چیتیک، تهران: انجمن فلسفه ایران، ۲۵۳۶.
- جهانبخش، جويا، ۱۳۹۰، *راهنمای تصحیح متون*، تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب.
- جوینی، ابوالحقاق محمدبن احمد، *منهاج السیفیه*، به اهتمام نجیب مایل هروی، تهران: مولی، ۱۳۶۳.

- حاجی خلیفه، مصطفی بن عبدالله، کشف الظنون عن اسامی الکتب و الفنون، تصحیح محمد شرف‌الدین، بیروت: دار إحياء التراث العربی، بی تا.
- حبیبی، نجفقلی، ۱۳۶۴، «تبصرة المبتدی و تذكرة المنتهی»، معارف، دوره دوم شماره اول (فروردین و تیر)، ص ۶۹ تا ۱۲۸.
- چیتیک، ویلیام، ۱۳۵۷، «مطالع الایمان»، جاویدان خرد، س ۴، ش ۱، صص ۵۷-۸۰.
- شفیع کدکنی، محمدرضا، ۱۳۹۰، «مکاتبات خواجه نصیر طوسی و صدرالدین قونوی»، گزارش میراث، دوره دوم، س ۵، ش ۴۵، خرداد و تیر. ص ۱۰.
- شیرازی، محمد معصوم (معصوم‌علیشاه)، طرائق الحقائق، تصحیح محمدجعفر محبوب، تهران: کتابخانه بارنی، ۱۳۳۹.
- عداس، کلود، ۱۳۸۷، در جستجوی کبریت احمر، ترجمه فریدالدین رادمهر، تهران: نیلوفر.
- قونوی، صدرالدین، اعجاز البیان فی تأویل ام القرآن، ترجمه محمد خواجهی، تهران: مولی، ۱۳۸۶.
- قونوی، صدرالدین، تبصرة المبتدی و تذكرة المنتهی (آفاق معرفت)، مقدمه و تصحیح نجفقلی حبیبی، قم: کتابسرای اشراق، ۱۳۸۱.
- قونوی، صدرالدین، کتاب فکوک (کلید اسرار فصوص الحکم)، مقدمه و تصحیح و ترجمه و تعلیق محمد خواجهی، تهران: مولی، ۱۳۸۵.
- کرین، هانری، ۱۳۸۴، تاریخ فلسفه اسلامی، ترجمه جواد طباطبایی، تهران: کویر.
- کرمانی، اوحدالدین، مناقب اوحدالدین حامدین ابی‌الفخر کرمانی، با تصحیح و حواشی بدیع‌الزمان فروزانفر، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۷.
- مایل هروی، نجیب، ۱۳۶۴، «کتاب‌شناسی دو رساله معراجیه بوعلی و تبصره قونوی»، مجله کیهان فرهنگی، بهمن، ش ۲۳.
- مدرس، میرزا محمدعلی، ریحانة‌الادب، ج ۳، تبریز: چاپخانه شفق، بی تا.
- هجویری، ابوالحسن علی بن عثمان، کشف‌المحجوب، مقدمه و تصحیح و تعلیقات محمود عابدی، تهران: سروش، ۱۳۸۹.

